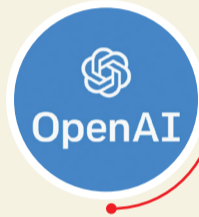




سینماگران در ضیافت افطار سازمان سینمایی

ضيافت افطار سازمان سینمایی با سینماگران شامگاه یکشنبه ۱۹ فروردین ماه با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی، مدیران فرهنگی، سینماگران و اهالی رسانه‌ها در هتل پارسیان انقلاب برگزار شد. در این مراسم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی در سخنانی جداگانه با تشکر از همدلی و تلاش خانواده سینما، آن چه را «رونق تولید و فروش و حضور و موفقیت آثار مختلف سینمایی در جشنواره‌ها» خواندند، از دستاوردهای یک سال گذشته سینمای ایران دانستند. اسماعیلی در این مراسم عنوان کرد: «من از یکلیک هنرمندان و اهالی سینما برای زحمات طاقت‌فرسای خود در سال ۱۴۰۲ که سالی پررونق برای حوزه فرهنگ و هنر بود، تشکر می‌کنم.» او افزود: «در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجموعه‌های عالی مرتبط تلاش‌مان این است که ان‌شاءالله با حضور اصحاب فرهنگ و هنر در سالی که هم‌زمان با ماه مبارک رمضان آغاز شد، گام‌های مهمی را برای ارتقای وضعیت فرهنگی و هنری کشور برداریم.»



۱/۸ میلیارد دلار برای هوش مصنوعی

دولت کانادا اعلام کرد که سرمایه‌ای ۱/۸ میلیارد دلاری را برای تقویت صنعت هوش مصنوعی و ایجاد سازوکارهای توسعه این فناوری اختصاص خواهد داد. بخشی از این سرمایه صرف توسعه ظرفیت‌های زیرساختی در این کشور خواهد شد. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر به نقل از بلومبرگ نوشت، جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، از بسته‌ای به ارزش ۲/۴ میلیارد دلار کانادا (۱/۸ میلیارد دلار ایالات متحده) برای سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی خبر داد. بخش مرکزی این بودجه شامل ۲ میلیارد دلار کانادا صرف توسعه توانمندی‌های رایانشی و زیرساخت‌های فنی موردنیاز برای افزایش سرعت کار محققان، استارت‌آپ‌ها و دیگر شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی خواهد شد. مابقی این بودجه به افزایش سرعت پذیرش هوش مصنوعی در صنایعی نظیر کشاورزی و درمان اختصاص خواهد یافت. این سرمایه‌گذاری به شهروندان کانادا، به‌خصوص جوانان، کمک می‌کند تا به پتانسیل کامل هوش مصنوعی دست پیدا کنند، به‌مشاغل پر درآمد برسند و در عین حال بهره‌وری خود را افزایش داده و موجب رشد اقتصاد این کشور شوند.



همکاری علی رهبری با ارکستر سمفونیک چین

به دعوت مجدد کشور چین، علی رهبری، رهبر ارکستر و آهنگساز زین المللی ایرانی یادو ارکستر سمفونیک جدید در شهرهای کینگ داوو و گویانگ، با آثاری از آهنگسازان روس روی صحنه خواهد رفت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اولین کنسرت در تاریخ یکم اردیبهشت‌ماه در شهر کینگ داوو، همراه با ارکستر سمفونیک کینگ داوو «Qingdao Symphony Orchestra» و دومین کنسرت در تاریخ هفتم اردیبهشت‌ماه و همراه با ارکستر سمفونیک گویانگ «Guiyang Symphony Orchestra» خواهد بود. این ارکسترها نیز مانند بیش از ۲۰ ارکستر سمفونیک دیگر کشور چین، هرکدام حدود ۸۵ عضو دارند و ضمن همکاری با رهبران چینی از رهبران دیگر جهان برای بالادین سطح کیفیت ارکسترشان دعوت به عمل می‌آورند.

گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور خالق اپرای عروسی ملی

نظارت در حال متلاشی‌کردن سامان هنر است



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

هنر و تئاتر این روزهای ایران، موضوع نیازمند آسیب‌شناسی کم ندارد. موضوعاتی که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها نسبت دولت با هنر و تئاتر این روزهای ایران است و موجب پیش آمدن سوالاتی از این دست می‌شود که چه اتفاقی رخ داده است که بخشی از اهالی تئاتر چنان از نزدیک شدن به هر آن چه نسبتی با هنر دولتی و هنرمندان دولتی داشته باشد، گریزانند که اساساً عطا‌ی بودن در این حوزه را به لقای آن بخشیده و صحنه را ترک گفته‌اند. نکته حائز اهمیت دیگر نقش دولت در این میان است و نسبت نامتعارفی که میان حمایت و نظارت در قبال هنرمندان برقرار کرده است. آن هم در شرایطی که می‌دانیم در هر جامعه‌ای، به هر میزان که دستگاه‌های نظارتی و سانسور در حوزه هنر و از جمله تئاتر با قدرت بیشتری به فعالیت بپردازند، به همان میزان زبان رمزی با شدت بالاتری روی صحنه به کار گرفته می‌شود؛ زبانی که می‌تواند عواقبی هولناک به همراه داشته باشد. از جمله اینکه موجب شود تعداد کثیری از مخاطبان، دستگاهی رمزی را در ذهن خود به کار ببندازند و شروع به رمزگشایی‌های دلخواه کنند و این‌جاست که دیگر حرف زدن ممنوع می‌شود. چون اگر کسی برداشتی مخالف از حرف شما کند دیگر نمی‌توانید به حرفه‌تان ادامه بدهید. این‌طور می‌شود که از یک «برو» ی ساده تعبیر به عوض شدن حزب و حکومت می‌شود. این بخشی از آن چیزی است که در گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور، خالق اپرای عروسی ملی و موسس و سرپرست گروه تئاتر عروسی در حال حاضر منحل شده «آران»، مطرح شد و مشروح آن را می‌توانید در ادامه بخوانید.

عکس: هنرآرلاین

تقسیم‌بندی است. این بین تقسیم‌بندی، نمایش‌هایی در دسته‌ای مهر است یا اهداف و استراتژی‌های کلی قرار می‌گیرند و دولت خود را در این دسته‌بندی‌ی ذی‌مدخل می‌داند، ورود کرده و کمک کردن را وظیفه خود قلمداد می‌کند. دسته‌بندی دیگر زمانی شکل می‌گیرد که بخش خصوصی ورود می‌کند و طبیعتاً اساس کار خود را بر محاسبات اقتصادی می‌گذارد. در میان این دو، دسته دیگری هم هست که می‌توان تئاتر خصولتی نامیدش که هم از شهرداری و دولت محلی، هم از دولت مرکزی کمک می‌گیرد. ما در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی، با حکومت‌هایی فاشیست، کمونیست و حکومت‌هایی غیر از این دور روبه‌رویم. به‌عنوان مثال در دولت فاشیستی موسولینی، نظارت باید وجود داشته باشد. حمایت وجود دارد اما نظارت هم هست. در دوره استالینی و رضاشاهی هم به همین صورت است. بعد از این به جست‌وجوی جهان برای یافتن نقطه تعادل می‌رسیم و فکر کردن به اینکه چرا باید دستگاه سانسوری عظیم وجود داشته باشد تا به کنترل هنرمندان بپردازد؟ آن هم در شرایطی که در نظام سرمایداری تمام تلاش بر این است که دولت، نجیفت و از مسئولیت‌هایش کاسته شود اما در دولت‌های فاشیستی و کمونیستی با دولت‌هایی شبیه این‌ها، دستگاه ناظر به دستگاهی بسیار عظیم تبدیل می‌شود که بر تمامی جوانب تولید یک اثر، تأثیرگذار است. به‌گونه‌ای که می‌توان آن را وزارتخانه قیچی نامید. در حالی که این وزارتخانه در دولت‌های غربی در حال محو شدن است و اساساً کار این گونه است که بخش خصوصی خود می‌داند که در حال انجام چه کاری است و باید چه چیزی را چگونه روی صحنه بیاورد که موجب تعطیلی تماشاخانه‌اش نشود. ضمن اینکه در قوانینی که قانون‌گذاران وضع کرده‌اند کاملاً مشخص است که هنرهای نمایشی تا کجا از آزادی عمل برخوردار هستند. شما در آن جا برای روی صحنه بردن یک نمایش، نیازی به اخذ مجوز ندارید و تنها اجرای نمایش‌تان را برابر با قانون خبر می‌دهید. همین کافی است و نه ممیزی برای دخالت کردن می‌آید و نه قرار است بیاید چون اگر غیر از این باشد دستگاه نظارت فریه و فرقه‌تر می‌شود.

آن چه در دوران پهلوی در تئاتر ما رخ داد سیستمی شترگاوپلنگ بود. از یک‌سو شبیه کشورهای سوسیالیستی و از آن‌سو شبیه کشورهای کمونیستی و از سوی دیگر شبیه کشورهای فاشیستی بودیم. به‌عنوان مثال از اهالی تئاتر می‌خواستیم نمایش‌هایی بسازند که مروج شعار «خدا، شاه، میهن» باشد یا پیش از روی صحنه بردن یک نمایش نیازمند اجازه از اداره شهریانی بودیم و با وجود مهر اداره شهریانی ممکن بود اجرا در میانه تعطیل شود و جلوی آن را بگیرند. اتفاقی که در دولت‌های فاشیستی هم رخ می‌داد ولی در دولت‌های کمونیستی به دلیل آنکه فیلترینگ اولیه با دقت بسیار زیاد انجام می‌شد خطر پایین آوردن اجراهای دارای مجوز از روی صحنه کمتر بود. بنابراین در دولت رضاشاه گروه‌های نمایشی به‌سمت تولید تئاترهای میهنی حرکت کردند و گاهی‌نگاهی به اسطوره‌های شاهنامه مانند رستم، سهراب، بیژن، منیژه و نظایر آن‌ها داشتند. با این حساب تا سال ۱۳۲۰ یعنی رفتن رضاشاه از ایران و بر سر کار آمدن پهلوی دوم شاهد چنین گبروگرفتی بودیم. از زمان سقوط رضاشاه تا سال ۱۳۳۲ تماشاخانه‌ها به تجربه‌ای دست

داستان‌های جالب توجه در تئاتر استرا، داستان خلق نمایش است. در این داستان دیوان و خدایان بد روز اجرای نمایش به صحنه حمله می‌کنند و خدایان خوب به کمک عنصر نمایش می‌آیند و آن را نجات می‌دهند و هر خدایی ضامن یکی از عناصر اجرا می‌شود. قصد من از این دو مثال آن بود که نشان دهم پدیده نظارت و رودرویی مخالفان و موافقان از سیاست‌های اخیر جهانی برنیا شده است.

با سقوط یونان و روم باستان، پدیده‌ای دیگر؛ دین و مشخصاً مسیحیت در تضاد با هنر نمایش قرار می‌گیرد و سالیان سال به طول می‌انجامد تا یک اثر نمایشی از طریق تطبیق عناصر خود با مسیحیت به گونه‌ای ساخته شود تا این مانع بزرگ به تدریج رضایت دهد که امر نمایش به وقوع بپیوندد. بعد از آن به اتفاقاتی می‌رسیم که در دنیای مسیحیت و شیوه زندگی غربی رخ می‌دهد و طبق آن تئاتر مگر برخی سوزده‌های عمومی و تئاتر خیابانی، دیگر شامل اجرای عموم نمی‌شود ولی کنت‌ها، لردها، اعیان و اشراف دارای تماشاخانه‌های کوچک خانگی هستند و گروه‌هایی تئاتری برای خوشامد آن‌ها برنامه اجرا می‌کنند. حمایت اعیان و اشراف از تئاتر، حمایت مالی از جریان تئاتر است. دولت مرکزی چنین وظیفه‌ای ندارد و حکمرانان محلی و فئودال‌ها، کنت‌ها و لردها، عیان و اشراف مانند دربارهای ایرانی در قبال شاعران درباری، عمل می‌کنند و دارای گروه نمایشی، دلکان ویژه و... هستند. این حمایت طبیعتاً شامل نظارت بر محتوا نیز می‌شد و اصلاً این‌گونه نبود که گروه نمایشی هر آن چه را مایل است روی صحنه ببرد.

بعد از این دوران به رواج مدرنیته در اروپا و روسیه تزاری می‌رسیم. ما از طریق یادداشت‌های موجود در دربار ایران در مورد روسیه متوجه می‌شویم که تزارها از با له و آیرا حمایت فراوان می‌کنند و به گروه‌ها حقوق می‌دهند. این حمایت را بعضی این‌گونه تفسیر می‌کنند که دولت تزاری احساس می‌کرده است اگر این نوع از سرگرمی در دسترس مردم باشد، آن‌ها کمتر به دخالت و است به قول نویسندگان قاجاری «فضولی» در کار دولت می‌پردازند. سرگرمی‌ای که اجازه می‌داد سیاستمداران و دولتمندان بدون آنکه نگرانی دخالت هنرمندان به‌خصوص هنرمندان هنرهای نمایشی را در کار خود داشته باشند، آن‌ها را برای ایجاد فضایی مفرح به کار گیرند. تفسیر دیگری هم در این مورد وجود دارد که میرزا فتحعلی آخوندزاده آن را مطرح می‌کند. او می‌گوید، تئاتر مترادف نقد و انتقاد است و محافظه‌کارانه می‌افزاید این نقد باید چنان صورت گیرد که منجر به سرنگونی حکومت نشود. پس نه به قصد براندازی که برای اصلاح امور است. در دنیای مدرن دولت‌ها به این پرسش می‌رسند که در کجاها باید از استراتژی‌های حاکم بر دنیای صنعت، فرهنگ، زندگی توده مردم و نظایر آن حمایت کنند؟ و یکی از مواردی که مورد حمایت قرار می‌گیرد، هنر و مهم‌ترین آن تئاتر، آیرا و با له است. در این دنیا، دولت‌ها احساس می‌کنند اگر به چنین حمایتی برخیزند هنر از سطحی فراخور حال مدرنیته برخوردار خواهد شد و موجب افزایش سطح زیبایی‌شناسی جامعه می‌شود. این بخشی از سابقه طولانی نظارت و حمایت و دخالت دولت در تئاتر است و امری نو نیست.

از این جا به تقسیم‌بندی بلوک‌های شرق و غرب می‌رسیم. در بلوک غرب طبیعی است که دنیای سرمایه‌داری معتقد به

آن‌چه ما می‌خواهیم این است که در سلسله‌گفت‌وگوهایی آسیب‌شناسانه با حضور اهالی تئاتر به مسائل کلان این حوزه بپردازیم و حضور شما به‌عنوان شخصی، هم دارای سابقه مدیریتی و هم دارای سابقه دهه‌ها کار هنری در گفت‌وگویی با این موضوع برای مان غنیمت است. به عقیده ما یکی از موضوعات نیازمند آسیب‌شناسی حال حاضر هنر و تئاتر، نسبت دولت با آن‌هاست که در امروز ما نیز بسیار برجسته شده یا دست‌کم من به خاطر ندارم در دوره‌ای جز اوایل انقلاب، به این میزان تبدیل به بحثی سیاسی شده باشد. به حدی که گروهی اساساً عطا‌ی بودن در عرصه هنر را به لقای آن بخشیده‌اند چون نمی‌خواهند تحت هیچ شرایطی تنه‌شان به تنه دولت بخورد. در این وضعیت نگرانی‌هایی هم در مورد آینده وجود دارد. می‌خواهم پیش از هر چیز از تجربه شما در سطح مدیریتی و هنری استفاده کنم و بدانم به نظراتان نسبت دولت با هنر و در این جا به‌طور مشخص تئاتر در دوره کنونی باید به چه صورت باشد؟ تجربه جهانی چگونه است و تجربه ما چگونه؟

برای پاسخ دادن به سوال‌تان به اجبار باید به پیشینه‌ای تاریخی بازگردم. با بازگشت به این پیشینه تاریخی می‌خواهم مروری اجمالی داشته باشم بر اینکه طی دو هزار و پانصد سال تاریخ تئاتر -اگر تئاتر یونان را ملاک قرار دهیم- تا به امروز چه اتفاقاتی رخ داده و سوءتفاهم‌های موجود چگونه پیش آمده است. سوءتفاهم‌هایی که در مورد آن توضیح خواهم داد. ما با نگاهی به تئاتر یونان درمی‌یابیم که این تئاتر به حاکمیت و باورهای دینی متصل است و باورهای عمومی و اتفاقات جاری مملکتی را از طریق محتوایی اسطوره‌ای نمایندگی می‌کند. به دلیل آنکه تئاتر اجتماعی‌ترین هنر جهان -اجتماعی از بازیگران در مقابل اجتماعی از مخاطبان به صورت زنده- است تصور سیاست‌گذاران یونان باستان این بود که افراد باید بتوانند در نهایت آزادی عمل، تازدی یا کمندی را خلق کنند اما ضمانت اجرایی تحقق این تصور با محدودیت‌هایی مواجه بود، چراکه امکان داشت اثری که روی صحنه می‌رود با باورهای آیینی، اجتماعی و حکومتی در اصطکاک قرار داشته باشد. مثالی می‌زنم. پس از جنگ هخامنشیان با یونانیان و شکست دردناک ایرانیان، اشیل نمایشنامه‌ای بنام «ایرانیان» نوشت. او در این نمایشنامه، ایرانیان شکست‌خورده را در چنان وضعیت دردناکی به تصویر کشید که قلب تماشاگران یونانی به درد آمد و برای این شکست‌خوردگان اشک ریختند و تماشاخانه به مجلس سوگواری تبدیل شد. در چنین وضعیتی دولت یونان در مقابل ادامه اجرای این اثر ایستاد و اولین سانسور در تاریخ تئاتر جهان رخ داد.

از آن سو به شرق که بنگریم در «مهاباراتا» و در «ایهاراتانتیام» پدیده نمایش آفریده خدایان خوب، خدایانی که معتقدند زندگی بشر باید متحول شود و بشر از آن لذت ببرد، است. در میان واداهای هندوها، تئاتر استرا یا ناتیاوادا، تنها ودایی است که به دلیل استفاده از زبان تصویری در آن برای صحبت در خصوص موسیقی و هنرهای نمایشی، هم شامل پیام‌های آفرینش و هم پیام‌های زیبایی‌شناسی و اخلاق است. یکی از

ما همواره، هم

حقیرانه به فرهنگ

نگاه کرده‌ایم و

هم حقیرها برای

فرهنگ تصمیم‌گیری

کرده‌اند. کسانی

که ظاهراً از خانواده

فرهنگی و هنری

هم هستند. من

در مجموع قضیه را

سیاسی و ناشی از

این تصمیم‌گیری که

عده‌ای از دور خارج

شوند و کار نکنند

نمی‌دانم اما می‌توانم

بگویم کسانی با دید

سطحی در جایگاهی

نشسته‌اند که داوروی

و قضاوت می‌کنند و

مبنای سقوط هنر را

بنیان می‌گذارند